زندگی حضرت علی

تمام انسانها در زندگی خویش از فراز و نشیب برخوردارند و با مشکلات مختلفی مواجهند .افراد معمولا در برخورد با مشکل دچار ضعف و ناتوانی می گردند و سعی می کنند با کمک و راهنمایی درد آشنایان خود را از مهلکه نجات دهند و با یافتن " الگوها " در هر زمینه ای ، و سپس تبعیت از آن ، وظایف خویشتن را بخوبی انجام دهند و مشکلات و دردهای خویش را تسکین بخشند . یکی از این اسوه ها پیامبراکرم (ص) است که قرآن مجید هم این حضرت را (۱) به همین نام معرفی می فرماید . بجز رسول خدا (ص) اگر به دنبال " الگوی " دیگر و جانشین برای آن حضرت باشیم ، به پیشوای بزرگی همچون مولای متقیان حضرت علی (ع) خواهیم رسید ، و چه زیباست که برای پذیرش اخلاق و رفتار حسنه ایشان ، زندگی پر فراز و نشیب و سراسر شگفتی آن حضرت را مرور کنیم .

کیفیت ولادت

حضرت علی (ع) نخستین فرزند خانواده هاشمی است که پدر و مادر او هر دوفرزند هاشم اند . پدرش ابوطالب فرزند عبدالمطلب فرزند هاشم بن عبدمناف است و مادر او فاطمه دختر اسد فرزند هاشم بن عبدمناف می باشد . خاندان هاشمی از لحاخ فضائل اخلاقی و صفات عالیه انسانی در قبیله قریش و این طایفه در طوایف عرب ، زبانزد خاص و عام بوده است . فتوت ، مروت ، شجاعت وبسیاری از فضایل دیگر اختصاص به بنی هاشم داشته است . یک از این فضیلتها در مرتبه عالی در وجود مبارک حضرت علی (ع)

موجود بوده است . فاطمه دختر اسد به هنگام درد زایمان راه مسجدالحرام را در پیش گرفت و خود را به دیوار کعبه نزدیک ساخت و چنین گفت : " خداوندا ! به تو و پیامبران و کتابهایی که از طرف تو نازل شده اند و نیز به سخن جدم ابراهیم سازنده این خانه ایمان راسخ دارم .

پرودگارا ! به پاس احترام کسی که این خانه را ساخت ، و به حق

(۲) " کودکی که در رحم من است ، تولد این کودک را بر من آسان فرما ! لحظه ای نگذشت که دیوار جنوب شرقی کعبه در برابر دیدگان عباس بن عبدالمطلب و یزید بن تعف شکافته شد . فاطمه وارد کعبه شد ، و دیوار به هم پیوست . فاطمه تا سه روز در شریفترین مکان گیتی مهمان خدا بود . و نوزاد خویش سه روز پس از سیزدهم رجب سی ام عام الفیل فاطمه (۳) را به دنیا آورد . دختر اسد از همان شکاف دیوار که دوباره گشوده شده بود بیرون آمد و گفت : (۴)" پیامی از غیب شنیدم که نامش را " علی " بگذار . "

دوران کودکی

حضرت علی (ع) تا سه سالگی نزد پدر و مادرش بسر برد و از آنجا که خداوند می خواست ایشان به کمالات بیشتری نائل آید ، پیامبر اکرم (ص) وی را از بدو تولد تحت تربیت غیر مستقیم خود قرار داد . تا آنکه ، خشکسالی عجیبی در مکه واقع شد . ابوطالب عموی پیامبر ، با چند فرزند با هزینه سنگین زندگی روبرو شد . رسول اکرم (ص) با مشورت عموی خود عباس توافق کردند که هر یک از آنان فرزندی از ابوطالب را به نزد خود ببرند تا گشایشی در کار ابوطالب باشد . عباس ، جعفر را و پیامبر (ص) ، (۵) علی (ع) را به خانه خود بردند .

به این طریق حضرت علی (ع) به طور کامل در کنار پیامبر قرار گرفت . علی (ع) آنچنان با پیامبر (ص) همراه بود ، حتی هرگاه پیامبر از شهر (۶)خارج می شد و به کوه و بیابان می رفت او را نیز همراه خود می برد .

بعثت پیامبر (ص) و حضرت علی (ع)

شکی نیست که سبقت در کارهای خیر نوعی امتیاز و فضیلت است . و خداونددر آیات بسیاری بندگانش را به انجام آنها ، و سبقت گرفتن بر یکدیگر (۷)دعوت فرموده است . از فضایل

حضرت علی (ع) است که او نخستین فرد ایمان آورنده به پیامبر (ص) باشند . ابن ابی الحدید در این باره می گوید : بدان که در میان اکابر و بزرگان و متکلمین گروه " معتزله " اختلافی نیست که علی بن ابیطالب نخستین فردی است که به اسلام ایمان آورده و پیامبر خدا را تایید کرده است .

حضرت علی (ع) نخستین یاور پیامبر (ص)

پس از وحی خدا و برگزیده شدن حضرت محمد (ص) به پیامبری و سه سال دعوت مخفیانه ، سرانجام پیک وحی فرا رسید و فرمان دعوت همگانی داده شد . در این میان تنها حضرتعلی (ع) مجری طرحهای پیامبر (ص) در دعوت الهیش و تنها همراه و دلسوز آن حضرت در ضیافتی بود که وی برای آشناکردن خویشاوندانش با اسلام و دعوتشان به دین خدا ترتیب داد . در همین ضیافت پیامبر (ص) از حاضران سؤوال کرد : چه کسی از شما مرا در این راه کمک می کند تا برادر و وصی و نماینده من در میان شما باشد ؟ فقط علی (ع) پاسخ داد : ای پیامبر خدا ! من تو را در این راه یاری می کنم پیامبر (ص) بعد از سه بار تکرار سؤوال و شنیدن همان جواب فرمود : ای خویشاوندان و بستگان من ، بدانید که علی (ع) برادر و وصی و خلیفه پس از من در میان شماست . از افتخارات دیگر حضرت علی (ع) این است که با شجاعت کامل برای خنثی کردن توطئه مشرکان مبنی بر قتل رسول خدا (ص) در بستر ایشان خوابید و زمینه هجرت پیامبر (ص) را آماده ساخت .

حضرت علی (ع) بعد از هجرت

بعد از هجرت حضرت علی (ع) و پیامبر (ص) به مدینه دو نمونه ازفضایل علی (ع) را بیان می نمائیم :

۱ - جانبازی و فداکاری در میدان جهاد : حضور وی در ۲۶ غزوه از ۲۷غزوه پیامبر (ص) و شرکت در سریه های مختلف از افتخارات و فضایل آن حضرت است .

۲ - ضبط و کتابت وحی (قرآن) کتابت وحی و تنظیم بسیاری از اسناد تاریخی و سیاسی و نوشتن نامه های تبلیغی و دعوتی از کارهای حساس و پرارج امام (ع) بود . ایشان آیات قرآن چه مکی و چه مدنی ، را ضبط می کرد . به همین علت است که وی را از کاتبان وحی و حافظان قرآن به شمار می آورند . در این دوران بود که پیامبر (ص) فرمان اخوت و برادری مسلمانان را صادر فرمود و با حضرت علی (ع) پیمان برادری و اخوت بست و به حضرت علی (ع) فرمود :

" تو برادر من در این جهان و سرای دیگر هستی . به خدایی که مرا به حق برانگیخته است ...

تو را به برادری خود انتخاب می کنم ، اخوتی که دامنه آن هر دو جهان (۸)را فرا گیرد . "

حضرت علی (ع) داماد رسول اکرم (ص)

عمر و ابوبکر با مشورت با سعد معاذ رئیس قبیله اوس دریافتند جزعلی (ع) کسی شایستگی زهرا (س) را ندارد . لذا هنگامی که علی (ع) در میان نخلهای باغ یکی از انصار مشغول آبیاری بود موضوع را با ایشان در میان نهادند و ایشان فرمود :

دختر پیامبر (ص) مورد میل و علاقه من است . و به سوی خانه رسول به راه افتاد .

وقتی به حضور رسول اکرم (ص) رسید ، عظمت محضر پیامبر (ص) مانع از آن شد که سخنی بگوید ، تا اینکه رسول اکرم (ص) علت رجوع ایشان را جویا

شد و حضرت علی (ع) با تکیه به فضایل و تقوا و سوابق درخشان خود در اسلام فرمود :

" آیا صلاح می دانید که فاطمه را در عقد من درآورید ؟ " پس از موافقت حضرت زهرا (س) آن حضرت به دامادی رسول اکرم (ص) نائل آمدند .

غدیر خم

پیامبر (ص) بعد از اتمام مراسم حج در آخرین سال عمر پربرکتش درراه برگشت در محلی به نام غدیرخم در نزدیکی جحفه دستور توقف داد ، زیرا

پیک وحی فرمان داده بود که پیامبر (ص) باید رسالتش را به اتمام (۹)برساند .

پس از نماز ظهر پیامبر (ص) بر بالای منبری از جهاز شتران رفت و فرمود :

" ای مردم ! نزدیک است که من دعوت حق را لبیک گویم و از میان

شما بروم درباره من چه فکر می کنید ؟ "

مردم گفتند : " گواهی می دهیم که تو آیین خدا را تبلیغ می کردی "

پیامبر فرمود : " آیا شما گواهی نمی دهید که جز خدای یگانه ، خدایی نیست

و محمد بنده خدا و پیامبر اوست ؟ "

مردم گفتند : " آری ، گواهی می دهیم . "

سپس پیامبر (ص) دست حضرت علی (ع) را بالا گرفت و فرمود :

" ای مردم ! در نزد مؤمنان سزاوارتر از خودشان کیست ؟ "

مردم گفتند : " خداوند و پیامبر او بهتر می دانند . "

سپس پیامبر فرموند :

" ای مردم ! هر کس من مولا و رهبر او هستم ، علی هم مولا و رهبر اوست . "

و این جمله را سه بار تکرار فرمودند .

بعد مردم این انتخاب را به حضرت علی (ع) تبریک گفتند و با وی بیعت

نمودند .

حضرت علی (ع) بعد از رحلت رسول اکرم (ص)

پس از رحلت رسول اکرم (ص) به علت شرایط خاصی که بوجود آمده بود ،حضرت علی (ع) از صحنه اجتماع کناره گرفت و سکوت اختیار کرد.

نه در جهادی شرکت می کرد و نه در اجتماع به طور رسمی سخن می گفت . شمشیر در نیام کرد و به وظایف فردی و سازندگی افراد می پرداخت .

فعالیتهای امام در این دوران به طور خلاصه اینگونه است :

۱ - عبادت خدا آنهم در شان حضرت علی (ع)

۲ - تفسیر قرآن و حل مسائل دینی و فتوای حکم حوادثی که در طول ۲۳سال زندگی پیامبر (ص) مشابه نداشت .

۳ - پاسخ به پرسشهای دانشمندان ملل و شهرهای دیگر .

۴ - بیان حکم بسیاری از رویدادهای نوظهور که در اسلام سابقه نداشت .

۵ - حل مسائل هنگامی که دستگاه خلافت در مسائل سیاسی و پاره ای از مشکلات با بن بست روبرو می شد .

۶ - تربیت و پرورش گروهی که از ضمیر پاک و روح آماده ، برای سیر و سلوک برخوردار هستند .

۷ - کار و کوشش برای تامین زندگی بسیاری از بینوایان و درماندگان تا آنجا

که با دست خویش باغ احداث می کرد و قنات استخراج می نمود و سپس آنها را در راه خدا وقف می نمود .

خلافت حضرت علی (ع)

در زمان خلافت حضرت علی (ع) جنگهای فراوانی رخ داد از جمله صفین ، جمل و نهروان که هر یک پیامدهای خاصی به دنبال داشت .

شهادت امام علی (ع)

بعد از جنگ نهروان و سرکوب خوارج برخی از خوارج از جمله عبدالرحمان بن ملجم مرادی ، و برک بن عبدالله تمیمی و عمروبن بکر تمیمی در یکی از شبها گرد هم آمدند و اوضاع آن روز و خونریزی ها و جنگهای داخلی را بررسی کردند و از نهروان و کشتگان خود یاد کردند و سرانجام به این نتیجه رسیدند که باعث این خونریزی و برادرکشی حضرت علی (ع) و معاویه و عمروعاص است . و اگر این سه نفر از میان برداشته شوند ، مسلمانان تکلیف خود را خواهنددانست . سپس با هم پیمان بستند که هر یک از آنان متعهد کشتن یکی از سه نفر گردد .

ابن ملجم متعهد قتل امام علی (ع) شد و در شب نوزدهم ماه رمضان همراه چند نفر در مسجد کوفه نشستند . آن شب حضرت علی (ع) در خانه دخترش مهمان بودند و از واقعه صبح با خبر بودند ، وقتی موضوع را با دخترش در میان نهاد ، ام کلثوم گفت : فردا جعده را به مسجد بفرستید .

حضرت علی (ع) فرمود : از قضای الهی نمی توان گریخت . آنگاه کمربند خود را محکم بست و در حالی که این دو بیت را زمزمه می کرد عازم مسجد شد . کمر خود را برای مرگ محکم ببند ، زیرا مرگ تو را ملاقات خواهدکرد .

و از مرگ ، آنگاه که به سرای تو درآید (۱۰) . جزع و فریاد مکن ابن ملجم ، در حالی که حضرت علی (ع) در سجده بودند ، ضربتی بر فرق مبارک خون از سر حضرتش در محراب جاری شد و محاسن (۱۱) آن حضرت وارد ساخت .

شریفش را رنگین کرد . در این حال آن حضرت فرمود : " فزت و رب الکعبه " به خدای کعبه سوگند که رستگار شدم سپس آیه ۵۵سوره طه را تلاوت فرمود :

" شما را از خاک آفریدیم و در آن بازتان می گردانیم و بار دیگر از آن بیرونتان می آوریم .

حضرت علی (ع) در واپسین لحظات زندگی نیز به فکر صلاح و سعادت مردم بود و به فرزندان و بستگان و تمام مسلمانان چنین وصیت فرمود :

" شما را به پرهیزکاری سفارش می کنم و به اینکه کارهای خود را منظم کنید و اینکه همواره در فکر اصلاح بین مسلمانان باشید .

یتیمان را فراموش نکنید ، حقوق همسایگان را مراعات کنید . قرآن را برنامه ی عملی خود قرار دهید .

نماز را بسیار گرامی بدارید که ستون دین شماست . حضرت علی (ع) در ۲۱ماه رمضان به شهادت رسید و در نجف اشرف به خاک سپرده شد ، و مزارش میعادگاه عاشقان حق و حقیقت شد .